

یکی بودن در روان برای مسرت بردن از مسیح
با یک فکر داشتن، با یکی بودن با مسیح در اجزای درونی او،
و با اجازه دادن به خدا که در ما هم اراده و هم فعل را برای خشنودی خود به عمل ایجاد کند

مطالعه متون مقدس: فیلیپیان ۱: ۴، ۸، ۱۸، ۲۵، ۲۷؛

۲: ۲، ۱۳-۱۲، ۱۸-۱۷، ۲۹-۲۸؛ ۳: ۱؛ ۴: ۱، ۴، ۱۰، ۱۵-۱۶

۱. به بیان دقیق، فیلیپیان کتابی نه تنها درباره تجربه مسیح، بلکه همچنین درباره مسرت بردن از مسیح است؛ تجربه مسیح در وهله اول در روح ماست، ولی مسرت بردن از مسیح، در روانمان (ذهن، احساس و اراده ما) است:

آ. از آنجایی که فیلیپیان به تجربه و مسرت مسیح مربوط است، که به شادی منجر می شود، آن کتابی سرشار از شادی و شادمانی است - ۱: ۴، ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۲، ۱۷-۱۸، ۲۸-۲۹؛ ۳: ۱؛ ۴: ۱، ۴.

ب. مقدسین در فیلیپی از طریق خدمتگزاری پولس رسول برای ترقی انجیل مشارکت داشتند؛ این شراکت شامل کمک های مالی آنها به آن رسول بود - آ. ۱۰، ۱۵-۱۶:

۱. آن زندگی تجربه مسیح و مسرت مسیح، یک زندگی در ترقی انجیل است، یک زندگی بشارت انجیل، نه به طور فردی، بلکه به طور جمعی. ما هرچه مشارکت بیشتری در ترقی انجیل داشته باشیم، مسیح را بیشتر تجربه کرده و از او مسرت می بریم. این خود، جاه طلبی، ترجیح و انتخاب ما را می کشد.

۲. چه صحبت کنیم و چه ساکت باقی بمانیم، زندگی ما، زیستن ما، وجود ما، و کل شخص ما باید بشارتی از مسیح باشد - ۱: ۲۰؛ ۴: ۲۲؛ ر.ک. ۲ قرنیتان ۳: ۳.

پ. پولس از ما می خواهد که رفتارمان «بطور شایسته انجیل مسیح [باشد]»، که «به یک روح برقرارید و به یک نفس [روان] برای ایمان انجیل مجاهده می کنید» - فیلیپیان ۱: ۲۷:

۱. به یک روان بودن و همدل بودن برای کار انجیل، دشوارتر از این است که برای تجربه مسیح در یک روح باشیم. تیموتائوس برادری بود که با پولس رسول همدل بود - ۲: ۱۹-۲۱، ر.ک. آ. ۳۰.

۲. به یک روان بودن مستلزم آن است که پس از تولد تازه در روحمان، فراتر برویم تا در روانمان دگرگون شویم - ۲ قرنیتان ۳: ۱۸؛ رومیان ۱۲: ۲.

۳. اگر در عواطف، افکار و تصمیماتمان یکی نباشیم، به یک روان نیستیم؛ تا وقتی که در روان یک نیستیم، در مشارکت به سوی ترقی انجیل نبوده، و رفتار ما لایق انجیل نیست.

۴. وقتی همه اعضای کلیسا در یک روح به یک روان باشند، این یگانگی مجاب کننده، مطیع کننده و جذاب بوده، و ما مسیح را تجربه کرده و از او مسرت خواهیم برد.

ت. این برای ما امکان پذیر است که تجربه مسیح را بدون مسرت مسیح داشته باشیم. مشکل در اینجا با روان ما است - ذهن، احساس و اراده ما. مثل کودکانی که مجبور به خوردن می شوند بدون اینکه از خوراکشان مسرت ببرند، خیلی وقتها ما مسیح را بدون مسرت بردن از او تجربه می کنیم.

ث. «من قدری نگرانم که شما مسرت چندانی از مسیح نداشته باشید»؛ دلیل اینکه خیلی ها مسرت مسیح را از دست می دهند، مشکلی است که در روان دارند. اگر شما مسرت چندانی از مسیح ندارید، این نشان می دهد که در روان یک نبوده، یک دل نیستید - فیلیپیان ۲: ۲.

۲. برای اینکه ما در روان یک باشیم، باید یک فکر داشته باشیم [به آن یک چیز فکر کنیم]: آن «یک فکر [چیز]» در فیلیپیان به شناخت، تجربه و مسرت باطنی از مسیح اشاره دارد. آن «یک فکر [چیز]»، پیگیری مسیح برای کسب کردن او، به دست آوردن او، و تصرف اوست - ۱: ۲۰-۲۱؛ ۲: ۲، ۵؛ ۳: ۷-۱۴؛ ۴: ۱۳:

آ. برای اینکه در واقعیت بدن مسیح زندگی کنیم، باید با عشق بی نهایت به مسیح از او مسرت ببریم، و برای اینکه عاشق او باشیم، افکار ما باید از غلیظ شدن (۲ قرن‌تیاں ۳: ۱۴)، کور گشتن (۴: ۴)، سرکشی (۱۰: ۴-۵)، و فاسد شدن (۲: ۱۱-۳) رهایی یابد.

ب. تفکر ما باید بر برتری شناخت مسیح و تجربه و مسرت از مسیح متمرکز باشد. تمرکز بر هر چیز دیگری باعث می شود که به طوری متفاوت فکر کرده، بدین گونه اختلاف بین ما ایجاد شود - ۱ قرن‌تیاں ۱: ۱۰؛ فیلیپیان ۳: ۸-۹، ۱۵؛ ۴: ۲.

پ. آن یک چیز، همان چیز منحصر به فرد، در بازیابی خداوند، اقتصاد جاودان خدا با مسیح به عنوان مرکزیت و عالمیت است - کولسیان ۳: ۱۰-۱۱:

۱. آن یک چیزی که باید بر آن تمرکز کرد، تأکید کرد، و در بازیابی خداوند بخش کرد، اقتصاد جاودان خداست - ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴.

۲. محتوای اقتصاد جاودان خدا، مسیح است. در واقع، خود مسیح در خدمتگزاری سه مرحله ای خود، اقتصاد الهی است (یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵؛ مکاشفه ۱: ۳؛ ۱: ۴؛ ۵: ۵؛ ۶: ۵)؛ خواست خدا این است که یک بازیابی به طور خالص و کامل از شخص مسیح داشته باشد (کولسیان ۱: ۱۷، ۱۸؛ ۲ قرن‌تیاں ۱۲: ۲؛ ۱۰: ۳؛ ۳: ۳).

ت. در میان فیلیپیان اختلاف در تفکر آنها وجود داشت (فیلیپیان ۴: ۲) که آن رسول را ناراحت می کرد؛ از این جهت، او از آنها خواست که به چیزی یکسان فکر کنند، حتی آن یک چیز، که آنها بتوانند شادی او را کامل کند (۲: ۲):

۱. فکر کردن به چیزی غیر از آن یک چیز، سرکشی بر ضد اقتصاد خداست. اقتصاد خدا این است که ما به یک چیز فکر کنیم. در زندگی کلیسای باید به همه مقدسین کمک کنیم که به یک چیز فکر کنند. افکار ما باید بر مسرت مسیح برای زندگی کلیسای، زندگی بدن، متمرکز شده و با آن پر شود.

۲. فیلیپیان ایماندار به علت اختلاف فکری خود، سطوح مختلفی از محبت داشتند (آ. ۲)؛ آنها دارای محبتی یکسان نسبت به همه مقدسین برای حفظ یگانگی نبودند؛ اگر محبت ما نسبت به مقدسین تنظیم و رسیدگی شده باشد، سپس همانطور که مقدسین را دوست داریم از مسیح مسرت خواهیم برد.

۳. یکی بودن در روان، پیوستن در روان [یک دل بودن]، نه تنها برای تجربه مسیح بلکه حتی بیشتر برای مسرت از مسیح است. برای مسرت بردن از مسیح، ما باید یک روان مناسب داشته باشیم، یک «هم-روان» که با روان های سایر مقدسین یکی است.

۳. برای اینکه ما در روان یک باشیم، باید با مسیح در احساسات، «احشای [اجزای درونی]» او یک باشیم، که نشانگر عاطفه درونی، رحمت لطیف، و همدردی اوست - فیلیپیان ۱: ۸:

آ. به عنوان یک انسان، تجارب مسیح در اجزای درونی او شامل عشق، خواسته، خشنودی، و احساس او بود - مزامیر ۱۶: ۳، ۷ (رجوع شود به زیرنویس ها در نسخه بازیابی).

ب. پولس در وجود درونی طبیعی خود زندگی نمی کرد؛ او در اجزای درونی مسیح زندگی می کرد؛ اگر خواهیم کسانی باشیم که به طور تجربی در مسیح هستند، باید در اجزای درونی او، در احساسات لطیف و ظریف او باشیم - کولسیان ۳: ۱۲.

پ. در کتاب فیلیمون تصویری از زندگی بدن داریم که در اجزای درونی مسیح عیسی زیست شده است - آ. ۷، ۱۰-۱۲، ۲۰:

۱. در حالی که اونسیموس با پولس در زندان روم بود، از طریق پولس نجات یافت که از او به عنوان «فرزند خود... که در زنجیرهای خود او را تولید نمودم» یاد کرد - آ. ۱۰.

۲. وقتی که پولس اونسیموس را با رساله خود به فیلیمون باز فرستاد، پولس گفت: «او [اونسیموس] را نزد تو پس می فرستم - او... که جان من است» - آ. ۱۲.

۳. عاطفه و شفقت های درونی پولس با اونسیموس نزد فیلیمون رفت. کلمات «جان من»، به طور تحت الفظی همان «احشا» [اجزای درونی] در فیلیپیان ۱: ۸ است که دلالت بر عاطفه، مهربانی، و شفقت درونی دارد - کولسیان ۳: ۱۲.

ت. پولس با برگرفتن احساس مسیح به عنوان احساس خودش، در واقعیت بدن مسیح زندگی کرد؛ احساس مسیح نسبت به بدن تبدیل به احساس او نسبت به بدن شد. این برای ما به جهت زیستن زندگی بدن، بسیار لازم است - ۲ قرن تیان ۱۲: ۱۵.

ث. اگر خود را انکار کرده و خود را با بدن شناسایی کنیم، هیچ جدایی [از بدن] یا قطع ارتباط با بدن نخواهد بود؛ زندگی ما به طور کامل زندگی بدن خواهد بود، و خداوند ابراز بدن خود را امروز بر روی زمین کسب خواهد کرد - متی ۱۶: ۲۴؛ افسسیان ۴: ۱۶.

ج. ما هر چه بیشتر در اجزای درونی مسیح عیسی زندگی کنیم، حس آگاهی ما از بدن مسیح بیشتر و احساس ما نسبت به بدن مسیح قوی تر خواهد بود - ۱ قرن تیان ۱۲: ۲۶-۲۷؛ رومیان ۱۲: ۱۵.

۴. برای اینکه بتوانیم در روان یکی شویم، باید نجات خود را توسط همکاری با خدای انرژی بخش درونی، که در ما «برحسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را بعمل ایجاد می کند» به عمل آوریم - فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳:

آ. ما نجات خود را به عمل می آوریم زیرا خدا در درون ما کار می کند. ممکن است بگوییم که تمایل نداریم، اما خدا برای به عمل رساندن خشنودی خود، در ما اراده را به عمل ایجاد می کند؛ اراده در درون، و به عمل رساندن از بیرون است.

ب. ما باید با اراده مطیع شده و رستخیز کرده خود برای انتخاب به عمل رساندن نجات خود، توسط همکاری با خدای سه یکتای ساکن در درون، که در ما بر حسب خشنودی خود اراده را به عمل ایجاد می کند، روحمان را بکار ببریم.

پ. اراده دگرگون شده ما را می توان از نظر گونه شناسی در غزل غزلهای ۴: ۴ دید. این آیه می گوید که جویای محبوب خداوند دارای گردنی «مثل برج داود است / که به جهت سلاح خانه بنا شده است / و در آن هزار سپر / یعنی همه سپرهای شجاعان آویزان است»:

۱. کتاب مقدس در مورد کسانی می گوید که بر طبق اراده خودشان راه می روند، کسانی که لجوج و مغرور هستند، مانند گردنکشان (اشعیا ۳: ۱۶). پس گردن دلالت بر اراده انسان دارد؛ خداوند تسلیم اراده انسان را زیباترین مورد در انسان می داند.

۲. اینکه گردن مثل برج است نشانگر تقویت اراده جوینده توسط خداست تا جایی که او دیگر دنیا را دوست ندارد و دیگر تحت تأثیر شیطان نیست. اراده او به تسلیم کامل به داوود (که دلالت بر مسیح دارد) آورده شده است، و اراده او توسط مسیح اسیر شده است.

۳. سلاح خانه در درون برج نشانگر پیروزی مسیح برای حفظ اراده ایماندار از غضب دشمن است؛ سپرها برای حفاظت است؛ و شجاعان دلالت بر قوت دارند.

۴. به طور خلاصه، غزل غزلهای ۴: ۴ نشان می دهد که آن ایماندار مایل به تسلیم شدن به اراده مسیح است، و اراده او مثل یک برج برای اجرای اراده او [خدا] قوی است. او هوشیارانه نگهبان است و اجازه نمی دهد دشمن اراده مطیع او را غضب کند.

ت. تجربه ما از مسیح به عنوان حیات فرمان بردار ما برای به عمل رساندن نجاتمان، در نماد، با آن کشتی که نوح ساخت دیده می شود. ساختن کشتی، بناسازی مسیح عملی و حاضر به عنوان نجات خدا در تجربه ما جهت بناسازی بدن مسیح به عنوان مسیح جمعی برای خشنودی خداست - فیلیپیان ۲: ۸، ۱۲-۱۳:

۱. آنچه نوح بر روی آن کار کرد و در آن وارد شد، نجات خدا، آن کشتی بود. ما باید یک مسیح عملی و حاضر داشته باشیم که بتوانیم به عنوان نجات خدا وارد او شویم.

۲. آن کشتی نمادی از مسیح است، نه تنها مسیح فردی، بلکه مسیح جمعی، کلیسا، که بدن مسیح و انسان نو است - پیدایش ۶: ۱۴؛ ۱ قرن ۱۲: ۱۲؛ افسسیان ۲: ۱۵-۱۶؛ کولسیان ۳: ۱۱-۱۰.
۳. نوح با بنای کشتی و ورود در آن، نه تنها از داوری خدا بر نسل شریر از طریق سیل، نجات یافت، بلکه از آن نسل جدا نیز شد و وارد عصر جدید گشت - پیدایش ۸: ۱۳-۱۹؛ ۱ پطرس ۳: ۲۰.
۴. به همین ترتیب، با بنای کلیسا و ورود به زندگی کلیسای از طریق بنا سازی مسیح عملی و حاضر به عنوان نجات خدا در تجربه ما، ما از داوری خدا بر نسل شریر امروز از طریق مصیبت عظیم (متی ۲۴: ۳۷-۳۹؛ لوقا ۱۷: ۲۶-۲۷؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۳)، نجات خواهیم یافت؛ از آن نسل جدا می شویم (لوقا ۲۱: ۳۶؛ مکاشفه ۳: ۱۰)؛ و وارد عصر جدید، عصر هزاره، می شویم.